یادداشت

چاره‌ای برای سیکل معیوب آموزش رسمی

فاطمه یوسفی

• طی یک ماه اخیر، انتشار اخباری نسبت به جذب نیروی انسانی بی‌شمار در مؤسسات عالی و همچنان خالی‌ماندن ۳۰۰ هزار صندلی این مؤسسات برای جذب بیشتر نیروی انسانی حاکی از استراتژی ناکارآمد مدیریت کلان آموزشی طی دهه‌های گذشته است. به نظر می‌آید که جامعه انسانی فعال و جوان ما گرفتار یک سیکل باطلی شده‌اند که در صورت عدم تدبیر صحیح این موج بی‌شمار انسانی در آینده جزء بدهی‌های نظام آموزش رسمی و حرفه‌ای کشور محسوب خواهند شد. اما برای این معضل و سیل عظیمی که همچنان وارد بازار کار می‌شوند، چه استراتژی مدیریتی‌ای را باید اتخاذ کرد که در آینده با خروجی‌های مطلوب‌تری مواجه شد.

فرض کنیم حوزه‌های کاری کشور از دو دسته اقیانوس تشکیل شده است: ۱- اقیانوس‌های آبی، ۲- اقیانوس‌های قرمز. اقیانوس‌های قرمز معرف تمامی اموری هستند که امروزه وجود دارند و فضاهای شناخته‌شده حوزه‌های کاری و خدماتی هستند. اقیانوس‌های آبی، به تمامی اموری مربوط خواهند شد که درحال‌حاضر وجود ندارند. اینها در حقیقت فضاهای شناخته‌نشده حوزه‌های کاری و خدماتی هستند. در اقیانوس‌های قرمز، محدودیت‌ها و حدومرزها تعریف و مورد پذیرش واقع شده‌اند و همچنین قوانین بازی رقابت مشخص هستند. در اقیانوس‌های قرمز سازمان‌ها سعی می‌کنند تا به عملکرد بهتری نسبت به رقبا دست یابند تا به‌این‌ترتیب سهم بیشتری از تقاضای موجود حوزه‌های کاری و خدماتی را از آن خود کنند. از آنجایی که هم‌اکنون اقیانوس‌های قرمز پرجمعیت هستند، احتمال سودآوری و رشد در آنها ناچیز است. در اقیانوس‌های قرمز، رقابت سخت و کشنده میان سازمان‌ها به اقیانوس قرمز و خون‌آلود تشبیه شده است. در عوض از اقیانوس‌های آبی هیچ بهره‌برداری‌ای صورت نگرفته است و هیچ رقیبی در آنها وجود ندارد، بنابراین در اقیانوس‌های آبی پتانسیل بالایی برای رشد و سودآوری وجود داشته و تقاضای بالقوه بالایی برای محصولات و خدمات این اقیانوس‌ها وجود دارد. خالق این اقیانوس خود می‌تواند قوانین و حدومرزها را مشخص کند. این یک تعریف کلاسیک از مفاهیم مدیریت منابع و خدمات اجتماعی است. تا همین چند دهه پیش، جهان ما پر از فرصت‌هایی بود که حالا به هر دلیلی، این فرصت‌ها بعضا تبدیل به تهدید شده‌اند. آموزش رسمی کشور ما یکی از آنهاست. طی یک قرن گذشته آرام‌آرام آموزش‌های غیررسمی و غیرکلاسیک به‌تدریج جایگزین آموزش‌های رسمی شده است. آموزش رسمی به جهت ساختار دولتی، هم فرصت و هم تهدیدی برای شهروندان است. از یک‌سو، چون نهادهای دولتی متولی آنند با سهولت بیشتری امکان جذب شهروندان در دوایر دولتی فراهم است اما به جهت همین دولتی‌بودن آموزش رسمی، امکان ارتقای واقعی شهروندان میسر نیست. آموزش رسمی دست‌کم در کشور ما بنا به ملاحظات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نسبت به تحولات جهانی عقب مانده است. این عقب‌ماندگی باوجود عدم‌کارایی آموزش و به‌واسطه انسداد مجاری اشتغال طیف وسیعی از شهروندان، منجر به طغیان نیروی انسانی به سمت آن شده است. بخشی از این عصیان اجتماعی به‌واسطه عدم بینش و بصیرت کافی برای ارتقای سطح و استانداردهای اجتماعی نیروی انسانی موجود است. چه آنکه در بسیاری از زمینه‌ها آموزش منابع انسانی از سوی نهادهای رسمی پاسخ‌گوی واقعی نیاز بازار و تقاضای آن نیست. ازهمین‌رو ورود به استراتژی اقیانوس آبی و مدیریت این نوع استراتژی‌ها در این آشفته‌بازار آموزش‌های متنوع و جوراجور شاید یکی از بهترین راهکارهای موجود در کشور ماست؛ یک استراتژی که معتقد است چنانچه در تلاطم رقابت‌های مشروع و نامشروع قرار گرفته‌اید باید مسیری را انتخاب کنید که منابع بکر و غیررقابتی در آن موج بزند تا بتوانید سالم و بهینه‌تر، به حیات خودتان ادامه دهید. چه آنکه، پارادایم رقابت در فضای کسب‌وکار، بر ذهن بسیاری از مدیران امروز جهان سیطره دارد، مدیران تنها راه پیروزی و موفقیت سازمان خود را در پیشی‌گرفتن از رقبا و گرفتن سهم بیشتر از بازار تقاضای موجود می‌دانند. آزادشدن ذهن مدیران از این پارادایم نیازمند دیگرگونه‌نگریستن به مفهوم استراتژی است. واضعان راهبرد اقیانوس آبی معتقد هستند که تنها راه پیروزی در رقابت که توقف تلاش برای پیروزی در رقابت است و به‌جای ورود به رقابت خونین در اقیانوس سرخ باید وارد فضای بازار نامحدود اقیانوس‌های آبی شد و دست به خلق تقاضا زد؛ بازاری که در آن هنوز قواعد بازی مشخص نشده و فرصتی برای رشد بسیار سودآور وجود دارد. در یک کلام به‌جای گرفتن سهم بیشتر از کیک باید به‌دنبال بزرگ‌ترکردن کیک بود. به نظر می‌رسد نظام آموزش رسمی در ایران نیز به چنین نقطه‌ای نزدیک می‌شود؛ نقطه‌ای که در آن بازار وسیعی از عرضه نیروی انسانی نه‌چندان‌ماهر برای سهم ناچیز تقاضا به نفس‌نفس افتاده است. مدیریت استراتژیک در حوزه منابع انسانی باید به سمتی پیش برود که به‌جای پرکردن دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی، نیروی انسانی موجود را به سمت دیگری از بازار سوق دهد؛ بازاری که بتواند با آموزش‌های بهینه و کاربردی، آموزش غیررسمی بهره‌وری و کارآمدی بیشتری از خود نشان دهد.



عکس: الهه کریمی، مهر

گزارش «شرق» از نخستین ماراتن زنان بهبودیافته از اعتیاد

بدو بهنوش، بدو

فاطمه جمال‌پور

اصلا شبیه ماراتن نیست، انگار اردوی دخترهای نوجوان شوخ‌وشنگ است، صدای شعارها و خنده‌هایشان یک لحظه هم قطع نمی‌شود؛ صد زن و دختر بهبودیافته از اعتیاد در نخستین ماراتن زنان «سرزمین خورشید». مصمم و با اعتمادبه‌نفس راه می‌روند. آن تصویر صورت‌های متزلزل و آسیب‌دیده از اعتیاد را کنار بگذارید. اینها زنانی با چهار، پنج، هفت سال و... پاکی هستند. تنها نیستند، محوطه خانه خورشید در حوالی دروازه‌غار پر است از داوطلب‌هایی که خواب صبح جمعه را گذاشته‌اند خانه و از هر کجای تهران راهی این نقطه زیر پونز نقشه شده‌اند؛ ساعت از ۹ گذشته، همه تقریبا رسیده‌اند و صبحانه دورهمی نون و پنیر می‌خورند، کفش‌های ورزشی نو، کاورهای سفیدرنگ با شعارهای رنگارنگ، آفتاب‌گیرهای سفید با شعار یاعلی مدد، عینک آفتابی و ماسک‌هایشان را گرفته‌اند و در انتظار شروع ماراتن‌اند.

بهنوش یکی از زنان معتاد بهبودیافته است. تابستان گذشته او زنی ۲۴ ساله با شش‌ماه بهبودی، بدون کار و سرپناه بود که سه‌بار بچه‌دار شده و دوبار ازدواج کرده بود. بچه اولش شهرستان نزد همسر اولش بود، بچه دومش را همسر دومش پس از به‌دنیاآمدن فروخته بود و شوهر صیغه‌ای به جرم حمل مواد زندان افتاده بود. مهگل را که به دنیا آورد، به اصرار مسئولان خانه خورشید قبول کرده بود دخترش را به امانت نزد شیرخوارگاه بهزیستی بگذارد. مادرش معتاد بود و پدر معتادش مدت‌ها بود آنها را رها کرده بود؛ بدون هیچ آینده‌ای در اتاقی هشت‌متری در حیاطی شبیه حیاط خانه قمرخانم در کوچه‌پس‌کوچه‌های دروازه‌غار روزگار می‌گذراندند. حالا او و مادرش هر دو انسان‌های دیگری شده‌اند.

ساعت از ۹:۳۰ گذشته که زنان «سرزمین خورشید» وارد پارک حقانی می‌شوند؛ بزرگ‌ترین پاتوق معتادان کارتن‌خواب کشور، نرمش می‌کنند تا برای ماراتن آماده شوند؛ حلقه پرشوری است و دست‌هایشان در هم گره می‌خورد، حلقه باز و بسته می‌شود، «ای ایران» می‌خوانند و نرمش می‌کنند و با نرمش و حرکت دست‌هایشان ایران می‌نویسند، صدای فریادهایشان پارک را برداشته، معتادان کنجکاو از دور به تماشا ایستاده‌اند، در میان پارک حقانی از میان معتادانی که گله‌به‌گله نشسته‌اند به کشیدن و حتی گذر این جمعیت هم باعث نمی‌شود برای لحظه‌ای پایپ را از میان لب‌هایشان کنار بگذارند، عبور می‌کنند و ماراتن شروع می‌شود. همگی با هم‌فریاد می‌زنند: «به من آرامشی عطا فرما تا بپذیرم آنچه را که نمی‌توانم تغییر دهم و شهامتی، تا تغییر دهم آنچه را که می‌توانم». یکی از جمعیت همراهان که کاورهای زردرنگ به تن دارند، با تعجب می‌پرسد: «اینها دارند مصرف می‌کنند؟» نمی‌داند مصرف عادت روز و شب ساکنان پارک حقانیست؛ ساکنانی که با نشئگی و خماری روز را شب و شب را روز می‌کنند. بهنوش از همه پرهیاهوتر است با صدای بلند فریاد می‌زند: «پیام ما امید، وعده ما پاکی» و دیگر زنان تکرار می‌کنند.

اینجا تشخیص بهبودیافته‌ها و همراهان سخت است. همه ظاهری یکسان دارند. این بهبودیافته‌ها دیروقتی است که از میان پاتوق‌ها و کارتن‌خوابی در پارک و خانه بلند شده‌اند». کارتن‌خوابی در خانه؟ بله. اینها را «م» می‌گوید، ۲۵ ساله است و جوان و سرزنده و زیبا. می‌گوید اگر از خانواده طرد شوی، در خانه هم کارتن‌خوابی.

زن جوانی در گوشه‌ای از جمعیت انگار بیانیه یک انقلاب را می‌خواند، با صدای بلند در طول مسیر فریاد می‌زد: «بشریت، این بازنده برگ‌های زنگارخورده تاریخ و...».

«بهنوش» روی یک دستش با حنا نوشته «نفس و عشق». می‌گوید: به مهگل می‌گویم نفس، روی دستش خرگوش تتو کرده، بلندقد و فربه است با موهای روشن، اهل جنوب‌اند، جنگ‌زده که شدند، آمدند تهران و این آغاز کابوسی بی‌بازگشت بود. پدر با زنی معتاد رفت و اینها را تنها گذاشت. حالا زن او را ترک کرده و همچنان با اعتیاد دست‌وپنجه نرم می‌کند، مادر و بهنوش اما حالا چندوقتی است که سلامتشان را بازیافته‌اند. بهنوش با حسی آمیخته با افتخار می‌گوید: خانه پدربزرگم مینی‌سیتی است اما بابام، پدرشان را با اعتیادش درآورده، بهنوش بعد از این‌همه هنوز زیباست و جوان، او در میان دسته شلوغ‌های ماراتن شعار می‌دهد و جلو می‌رود. خودش و مادرش نسبت به پارسال سرحال‌تر شده‌اند. پارسال این‌موقع‌ها مادر بهنوش غروب‌ها پایپ شیشه را برمی‌داشت و می‌کشید و می‌کشید تا بتواند شب تا صبح کار کند. تعریف می‌کنند که مادرش را ۱۰ بار برده‌اند وزرا و بهنوش به‌سختی فردایش آزادش کرده و دیگر مادر خسته شده و با کمک بهنوش ترک کرده و حالا تنها متادون مصرف می‌کند.

بهنوش می‌گوید: «اگر وسیله بگیرم، حالا که خانه گرفته‌ام و کار دارم می‌توانم مهگل را از بهزیستی پس بگیرم. از پسرش می‌گوید که شاگرد اول استان شده و به او افتخار می‌کند. حتی می‌توانم او را هم پیش خودم بیاورم. می‌گوید دوست دارم بروم دانشگاه و مددکاری بخوانم و به درد همدردهایم برسم.

جمعیت در پشت پلاکاردی با عنوان «دستت را به من بده تا در مسیر پاکی قدم برداری» راه می‌روند، خیلی از این دختران و زنان حالا مددیار و مددکار ترک اعتیادند و به همدردهایشان کمک می‌کنند. بهنوش صبح‌ها به مرکز پزشکان بدون‌مرز می‌رود و در گروه‌های همتا به زنان آموزش پیشگیری از اچ‌آی‌وی، ایدز، سل، هپاتیت و زندگی سالم می‌دهد و شنبه و چهارشنبه با گروه گشت سیار می‌رود و زخم‌های زنان و مردان معتاد کارتن‌خواب را پانسمان می‌کند. در میان آنها وسایل پیشگیری توزیع می‌کند و مادرش هم به پاتوق و خانه‌های مسئله‌دارها می‌رود و به آنها آموزش می‌دهد و میانشان لوازم جلوگیری توزیع می‌کند... . ساعت نزدیکی‌های ۱۱ است و از پارک بهاران گذشته‌ایم و به پارک بعثت رسیده‌ایم. دختر جوان دیگری شعار می‌دهد: «ایران ما بهشته، دود نکشید که زشته». بهنوش می‌گوید این شعار خوبی نیست، شعار همدرد نیست. ساعت از ۱۱ گذشته که جمعیت بعد از یک‌ساعت‌وخرده‌ای پیاده‌روی و گذر از چهار پارک مملو از معتادان دوباره وارد پارک حقانی می‌شوند. پسر جوانی از میان جمعیت معتادان می‌گوید: «اینها قصد ازدواج ندارند». زنان دیگری در میان گروه‌های معتادان با حسرت به بهبودیافته‌ها نگاه می‌کنند و می‌گویند خوش به حالشان انگار که پیام ماراتن به خوبی منتقل شده است.

جمعیت به خانه خورشید برمی‌گردد و صدای موزیک شاد ارکستر کوچک و گل‌های داوودی و پذیرایی ساده به استقبالشان می‌آید. لیلا ارشد، مدیر مؤسسه زنان «سرزمین خورشید» پشت میکروفون می‌رود و می‌گوید: «ما دور هم جمع شدیم تا سلامتی و پاکی زنان بهبودیافته را در پارک‌هایی که در آن سوءمصرف‌کنندگان زیادی حضور دارند به نمایش بگذاریم. بسیاری از ما تجربه‌های مشابه این سوءمصرف‌کنندگان را داریم». او خطاب به زنان بهبودیافته سرزمین خانه خورشید گفت: «شما از دست‌دادن را با به‌دست‌آوردن تجربه کرده‌اید و در انتهای یک خط به ابتدا رسیدید. با همه محدودیت‌ها سلامت زندگی می‌کنید و نبود حمایت اجتماعی بعد از بهبودی را چشیدید». او ادامه می‌دهد: «یکی از اهداف ما جلب توجه مسئولان و مردم به مشکلات شما؛ نبود شغل، جای خالی مسکن، بیمه و درمان، جلب احترام و پذیرش جامعه است. ما تصمیم گرفتیم تعاونی‌ای برای زنان بهبودیافته و درحال بهبودی ایجاد کنیم و دست یاری همه را می‌فشاریم».

بعد از آن سرور منشی‌زاده از دیگر مسئولان خانه خورشید صحبت می‌کند: «اینجا زنانی در ماراتن ما دویدند که حتی نمی‌توانستند روی پای خودشان بایستند و حالا پیام بهبودی می‌دهند. بدون اشتغال و توانمندسازی، چرخه درمان اعتیاد باطل است و حرف‌هایش را این‌طور تمام می‌کند که «به‌سان رود که در نشیب دره سر به سنگ می‌زد رونده باش، امید هیچ معجزی ز مرده نیست، زنده باش».

بعد از آن مراسم اهدای جوایز برگزار می‌شود؛ اول از همه به سه زن پیشکسوت که از نخستین بهبودیافتگان این خانه هستند و یکی‌شان به خاطر جلوگیری از سرافکندگی پسرش در هنگام عروسی‌اش ترک کرده، او پیرترین بهبودیافته خانواده خانه خورشید است. جوان‌ترینشان فرانک است که تازه در مسیر بهبودی قرار گرفته است. کارتن‌خواب میدان شوش است و به همراه پدرش بعد از اینکه مادرش، پدر معتادش را ترک کرد و رفت و همه هستی‌شان نیست شد، کارتن‌خواب شدند. آرام و بی‌صدا می‌آید یک گوشه می‌نشیند؛ تکیده است، اما صورت زیبایی دارد، با چشم‌های درشت مشکی بی‌رمق. با اینکه قرار است بسته بهداشتی، بن ۵۰ هزار تومانی و غذا را فقط به شرکت‌کنندگان ماراتن بدهند اما به گرمی از فرانک استقبال می‌کنند و کیف و بن و غذا بهشان می‌دهند، چشمانش برق می‌زند، همان‌طور که بی‌صدا آمده بی‌صدا هم می‌رود.

بعد از آن به سه گروه از زنانی که به سؤال‌های مرتبط با پیشگیری از ایدز پاسخ درست داده‌اند جوایز ۲۰۰هزار تومانی داده می‌شود. بعد از آن، از میان زنان به ۱۰ نفر به قید قرعه جایزه می‌دهند. مادر بهنوش یکی از آنهاست که قرعه به نامش می‌افتد. جایزه را که باز می‌کنند یک گرمکن صورتی و یک شلوار گرم سورمه‌ای است. لباس‌ها برای بهنوش تنگ است و گرمکن هم به شرط نبستن زیپش تن مادر می‌رود، اما در نهایت تصمیم می‌گیرند لباس را به یک نفر مستحق‌تر؛ یکی از کارتن‌خواب‌های حقانی بدهند.

همه خانواده خانه خورشید برای گرفتن غذا و کیف بهداشتی به صف می‌شوند، بعد هم گوشه‌گوشه حیاط خانه می‌نشینند به غذاخوردن. حیاط خانه نقلی خورشید این گوشه پرت دروازه‌غار تهران یک خاطره خوب دیگر را به خود می‌بیند. با بهنوش و مادرش راهی خانه‌شان می‌شویم که چهار میلیون پول پیشش را خانه خورشیدی‌ها به آنها داده، اما بهنوش باید اجاره ۴۵۰هزار تومانی‌اش را با حقوق ۷۰۰هزار تومانی‌اش بدهد. ۵۰۰ هزار تومان از پزشکان بدون مرز می‌گیرد و ۲۰۰ تومان هم از گشت سیار. مادر هم ماهی ۲۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرد. برخلاف آن خانه قبلی که خلاصه می‌شد در اتاق هشت‌متری کوچک و دود گرفته، اینجا یک آپارتمان نوساز و شیک است. با حسی شبیه افتخار، بهنوش آسانسور را می‌زند و در باز می‌شود. خانه دوخواب دارد و آشپزخانه این، خانه قشنگی است اما فقط یک موکت، یخچال و گاز کوچکی دارند که روی زمین گذاشته‌اند. بهنوش می‌گوید: «اگر وسیله بگیرم، حالا که خانه گرفته‌ام و کار دارم می‌توانم مهگل را از بهزیستی پس بگیرم. از پسرش می‌گوید که شاگرد اول استان شده و به او افتخار می‌کند. حتی می‌توانم او را هم پیش خودم بیاورم. می‌گوید دوست دارم بروم دانشگاه و مددکاری بخوانم و به درد همدردهایم برسم.

بهنوش تعریف می‌کند که ۲۰ نفری هستند که هفته‌ای ۱۰هزار تومان می‌گذارند و غذا درست می‌کنند و سه‌شنبه‌ها با جمعیت طلوع همراه می‌شوند و به شکرانه بهبودی میان کارتن‌خواب‌ها پخش می‌کنند؛ «لباس‌هایی که بعد از بهبودی برایم تنگ شده بود و باقی وسایل خانه را بردیم و به معتادان کارتن‌خواب دادیم». باران شدیدی گرفته، مادر بهنوش می‌گوید ای وای، خدا به معتادان و زنان و کودکان کارتن‌خواب کمک کند.

این بهنوش با دختر سال پیش از زمین تا آسمان فرق می‌کند. کیف‌ها را باز می‌کنند. یک حوله، مسواک، خمیردندان، شورت، جوراب و کرم مرطوب‌کننده در هر کیف است. مادر بهنوش اصرار می‌کند که مسواک و خمیردندان را تو بردار، من که دندان ندارم. دندان هم یکی از بزرگ‌ترین مشکلات زنان بهبودیافته است، چراکه در اثر بیماری اعتیاد دندان‌هایشان را از دست داده‌اند و حالا که بهبود یافته‌اند همین دندان‌ها، گاو پیشانی سفیدشان کرده است.

خبر

جزئیاتی درباره یگان ویژه زنان

• **فارس:** فرمانده یگان ویژه ناجا، مأموریت اصلی این یگان را کنترل اغتشاشات دانست و در پاسخ به سؤالی درباره حضور بانوان یگان ویژه، اظهار کرد: یگان ویژه همیشه جزء اولین‌هاست و در خلاقیت و ابتکارات نیز ۱۵ مورد از اولین‌ها را به خود اختصاص داده است که یکی از آنها، بانوان یگان ویژه هستند. سردار حسن کرمی گفت: اولین زن در نیروهای مسلح بعد از انقلاب، از نیروهای یگان ویژه است که بعد از تمرینات فشرده با موفقیت پرش انجام داد که اینها در قالب یک تیم از کارمندان رسمی یگان ویژه هستند و تعدادی نیز از پلیس‌های افتخاری‌اند. سردار کرمی ادامه داد: ما به‌دنبال کادرسازی و تقویت زیرساخت‌ها هستیم تا با همکاری فرماندهان و مسئولان، زنان در این برنامه‌ها حضور یابند. این مقام ارشد یگان‌های ویژه نیروی انتظامی درباره یگان ضدتکفیری اعلام کرد: مأموریت اصلی یگان ویژه کنترل احساسات است، اما به‌دلیل تهدیداتی که پیرامون کشور ما وجود دارد علاوه بر آمادگی ۲۴ ساعته یگان ویژه، یک آموزش نیز برای افراد خود اضافه کرده‌ایم. وی افزود: این آموزش برای این است که افراد یگان ویژه در شرایط امنیتی نیز بتوانند در برابر عملیات تروریستی آمادگی لازم را داشته باشند و آموزش این واحد رزمی هم به کنترل اغتشاشات که وظیفه اصلی یگان ویژه است، اضافه شده است. این مقام ارشد یگان ویژه ادامه داد: افراد یگان ویژه روزانه هشت ساعت تمرین می‌کنند و این زمان جدای از زمان‌هایی است که به اردو می‌روند تا بتوانند از ورزیدگی لازم، قدرت بدنی بالا و سرعت‌عمل مورد نیاز برخوردار باشند. وی خاطرنشان کرد: عمده واحدهای یگان ویژه در تهران مستقر هستند؛ البته در تمام مراکز استان‌ها به تناسب جمعیت نیز یگان ویژه وجود دارد. سردار کرمی همچنین به اجرای عملیات‌های مختلفی که توسط یگان ویژه ناجا انجام می‌شود پرداخت و گفت: علاوه بر وظایف اصلی، یگان ویژه در هر جایی که نیاز به کمک باشد، حضور دارد مثل آتش‌سوزی جنگل‌ها؛ همچنین در اربعین سالار شهیدان خدمات ویژه‌ای ارائه می‌دهد که امسال نیز آمادگی لازم را دارد.

امکان انتقال سوابق بیمه‌ای ایرانیان شاغل در ترکیه

• **ایسنا:** رئیس هیأت‌مدیره انجمن صنفی کاربابی‌های بین‌المللی ایران گفت: انتقال سوابق بیمه‌ای ایرانیان شاغل در خارج به شرط داشتن گواهی‌نامه شغلی امکان‌پذیر است. حسن کرباسی اظهار کرد: این کار در قالب تفاهم‌نامه میان دو کشور ایران و ترکیه در حال انجام است و به امضای وزیران دو کشور رسیده که مراحل پایانی خود را می‌گذراند. به گفته کرباسی، دارندگان گواهی‌نامه شغلی پس از بیمه اختیاری می‌توانند غیر از بیمه بی‌کاری، از تمامی مزایای قانونی حتی برقراری امکان بازنشستگی بهره‌مند شوند.

سیاست‌های ویژه دولت برای کاهش آلودگی هوا

• **ایسنا:** رئیس سازمان حفاظت محیط زیست گفت: دولت سیاست‌های ویژه‌ای برای کاهش آلودگی هوا و حذف بنزین پتروشیمی‌ها دارد، ضمن آنکه در سازمان حفاظت محیط زیست نیز مرتبا از دستگاه‌های ذی‌ربط گزارشی درباره وضعیت کیفیت هوا اخذ می‌کنیم و جلساتی پیرامون این موضوع برگزار می‌دهیم. معصومه ابتکار در پایان سفر خود به استان کرمان در جمع خبرنگاران با اشاره به جلسات برگزارشده برای احیای تالاب جازموریان در استان کرمان گفت: جلسات خوب و مفصلی پیرامون تالاب جازموریان برای اولین بار مطرح و اهمیت و جایگاه تالاب جازموریان در سطح منطقه و کشور در این گزارش ارائه شد.

۱۲ هزار ایمیل و امضا برای اصلاح قانون سفر خارجی زنان

شرق: معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده گفت: درباره اصلاح قانون خروج زنان از کشور، معاونت امور زنان و خانواده ۱۰۴۰ ایمیل و ۱۱ هزار امضا خطاب به این معاونت، معاونت حقوقی رئیس‌جمهور و شخص رئیس‌جمهور دریافت کرد که در آن نسبت به ممانعت همسر کاپیتان تیم ملی فوتسال بانوان برای خروج او از کشور اعتراض شده بود. شهیندخت مولاوردی در نشست خبری هفتمین کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده افزود: با توجه به فاصله‌ای که از زمان تصویب قانون گذرنامه در کشور می‌گذرد و زنان در عرصه‌های مختلف علمی، ورزشی و بین‌المللی حضور پیدا کرده‌اند می‌توان با بررسی تبصره‌هایی در قانون اصلاحاتی را به وجود آورد. علاوه بر آن در قانون تخفیف‌هایی نیز در نظر گرفته شده است؛ به عنوان نمونه سفر مقامات سیاسی، سفر برای حج واجب یا درمان‌های ضروری بدون مجوز همسر و اخذ ترتیبات قانونی امکان‌پذیر است. وی با اشاره به اعتراض یکی از مراجع عظام نسبت به پیشنهاد معاونت زنان برای اصلاح قانون خروج زنان از کشور اظهار کرد: ما قرار است متنی را آماده کنیم و منظور خود را توضیح دهیم. در تعامل با مراجع عظام هستیم و این مبحث را با حوزه‌های علمیه پیش می‌بریم. مولاوردی همچنین گفت: به منظور کاهش و مهار آسیب‌های خانواده نیاز به تبیین درست و اصولی خانواده و شناخت درست از آسیب‌هایی داریم که آن را تهدید می‌کند. در این شرایط حمایت دولت مطرح می‌شود؛ اما چگونگی حمایت و دخالت دولت در این زمینه محل مناقشه است. وی افزود: برخی تحلیلگران در زمینه خانواده ابراز نگرانی می‌کنند. به عقیده آنان خانواده به مرز فروپاشی رسیده است؛ اما بعضی دیگر معتقدند که خانواده همچنان باعث قوام جامعه است و می‌توان با تشریک مساعی دولت، خانواده و نهادهای مدنی، از شدت آسیب‌های مربوط به آن کاست. اصل، وجود این آسیب‌هاست؛ ولی نمی‌توان آنها را ریشه کن کرد.

نوبت دوم

شرکت ملی نفت ایران

آگهی مناقصه یک مرحله ای و ارزیابی کیفی پیمانکاران منطقه کرمان

واگذاری جایگاههای شرکتی تک منظوره (فراورده های نفتی)به پیمانکار واجد شرایط

۸۱۱/۱۷۹۹۵ شماره مجوز ۱۳۹۴/۳۵۵۵

مناقصه گزار: شرکت ملی پخش فراورده های نفتی ایران منطقه کرمان

موضوع مناقصه : واگذاری جایگاههای شرکتی تک منظوره (فراورده های نفتی) به پیمانکار واجد شرایط

تاریخ ،مهلت و نشانی محل دریافت و تحویل استعلام کیفی مناقصه گران:

تاریخ تحویل مدارک ۱۰ روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم (حداقل با دو شرکت مناقصه انجام خواهد شد)

و محل دریافت و تحویل مدارک : کرمان چهارراه خواجو ،شرکت ملی پخش فراورده های نفتی منطقه کرمان ،طبقه دوم ،اتاق شماره ۱۲

آدرس سایت : HTTP://MONAGHESE.NIOPDC.IR _WWW.EST.MPORG.IR _ HTTP://KERMAN.NIOPDC.IR

شرایط عمومی مناقصه :

۱. ارائه تصویر اساسنامه شرکت ،تصویر آگهی ثبت شرکت با آخرین تغییرات در روزنامه رسمی ،تصویر کد اقتصادی و شناسه ملی

۲. ارائه تائیدیه از اداره کار استان کرمان جهت شرکتهای غیر بومی

۳.ارائه تصویر سوابق کاری (رضایت نامه)قراردادهای انجام شده با ادارات دولتی

۴.دارا بودن صلاحیت از اداره تعاون ،کار و رفاه اجتماعی استان در سال جاری

۵.احراز امتیاز قابل قبول در ارزیابی کیفی

۶.احراز امتیاز قابل قبول بر اساس معیارهای ارزیابی توانمندی بهداشتی ،ایمنی و زیست محیطی

۷.تائیدیه از سازمان حسابرسی یا اعضای جامعه حسابداران رسمی مبنی بر حسابرسی صورتهای مالی

تحویل مدارک ۹۴/۷/۲۸ و بازگشایی پاکات با هر تعداد شرکت کننده انجام می شود.

پس از ارزیابی کیفی اسناد مناقصه به مناقصه شدگان پذیرفته شده توزیع خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول :۹۴/۷/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم :۹۴/۷/۱۸

روابط عمومی شرکت ملی پخش فراورده های نفتی منطقه کرمان